

پژوهش‌های اسلامی خاورشناسان (علمی - تخصصی)

سال دوم، شماره دوم، بهار و تابستان ۱۴۰۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۰۲

صص: ۱۰۱-۱۲۳

بررسی انتقادی دیدگاه هاینس هالم درباره نصیریه و ماهیت عرفانی آموزه‌های آن (معطوف به مدخل دایره المعارف لیدن)

سید قاسم رزاقی موسوی^۱

چکیده

اینکه هاینس هالم با چه رویکردی نصیریه را معرفی کرده و به چه میزان با منابع اصلی هماهنگ است، مسئله اصلی پژوهش حاضر به شمار می‌آید. این نوشتار با روش توصیفی تحلیلی و رویکرد تاریخی به تبیین و نقد دیدگاه‌های هاینس هالم درباره فرقه «نصیریه» از فرقه‌های انشعاب یافته شیعه می‌پردازد. هالم دیدگاه‌های خود درباره این فرقه را بیشتر در کتاب غنوصیان و مقاله نصیریه در دائرةالمعارف اسلام لیدن (2EI) بیان نموده که محور اصلی بررسی در این پژوهش است. هالم ضمن تلاش برای تبیین صحیح تاریخ نصیریه بر اساس منابع اسلامی و پیوند آنان با غالبان صدر اسلام، درصد معرفی شخصیت‌های برجسته فرقه، آموزه‌ها، آیین و اعیاد نصیری بر اساس اندیشه باطنیگری بوده و این مسئله را ماهیت عرفانی برای نصیریه معنا نموده که محل تأمل است. با توجه به اهمیت دائرةالمعارف اسلام (2EI) که از منابع مهم و مرجع مطالعاتی در مراکز علمی به شمار می‌آید و هم‌چنین مرجعیت علمی مؤلفان مقالات شیعی دائرةالمعارف، روشمندی پژوهش‌ها و دستاوردهای جدید مطالعات، بررسی آرای آنان باهدف دستیابی به نقاط قوت و ضعف، اصلاح دیدگاه‌ها و معرفی مناسب‌تر فرقه‌های شیعه، ضروری به نظر می‌رسد و این پژوهش نیز عهده‌دار بخشی از این مهم است.

واژگان کلیدی: هالم، نصیریه، علویان، ماهیت عرفانی، بررسی انتقادی، دائرةالمعارف اسلام (2EI).

۱. مقدمه

با وجود نوپایی دانش شیعه‌پژوهی در مراکز علمی غرب، خاورشناسانی در این حوزه پژوهش نموده و آثار بی شماری منتشر نموده‌اند. از جمله این آثار می‌توان به مقالات شیعی **دائرةالمعارف اسلام** (2EI) اشاره داشت که توسط خاورشناسان متخصص و معروفی تدوین شده‌اند. هاینس هالم^۱ از شیعه‌پژوهانی است که پژوهش‌های متعددی درباره شیعه انجام داده و کتاب تشیع او از شهرت بیشتری برخوردار است. البته تخصص هالم درباره غالیان است و حاصل سال‌ها پژوهش خود در این زمینه را در کتاب **غنوصیان در اسلام: شیعیان غالی و علویان** عرضه کرده است. وی هم‌چنین مقالاتی متعدد از جمله «نصیری» را در **دائرةالمعارف اسلام** (2EI) تدوین نموده که موضوع اصلی این نوشتار نیز است. بررسی چگونگی تبیین سیر تاریخی نصیری، شخصیت‌های تأثیرگذار، به‌ویژه آموزه‌ها و عقاید این فرقه و ماهیت آن از سوی هالم مسئله اصلی این مقاله است که از طریق بازخوانی و تحلیل آثار پیش‌گفته و انطباق آن با منابع اصلی به بررسی دیدگاه هالم و نگاه انتقادی به آن می‌پردازد. درباره فرقه نصیری و هم‌چنین دیدگاه‌ها و کتاب‌های هالم، پژوهش‌هایی صورت گرفته است. قاسم جوادی در مقاله «نصیری، علویان و شیعه اثناعشری» به بررسی تطبیقی تاریخ و عقاید نصیری با اثناعشریه پرداخت و هارون فریمن فتاوی‌ای مخالفان نصیری

۱. هاینس هالم در سال ۱۹۴۲م در آلمان به دنیا آمد. وی در سال ۱۹۶۲ پژوهش در علوم اسلامی و ادیان سامی و قرون وسطا را آغاز نمود. این خاورشناس آلمانی از سال ۱۹۶۹ در دانشگاه توبینگن به تدریس علوم اسلامی و تاریخ اسلام اشتغال دارد و کتاب‌های متعددی نگاشته است. برخی کتاب‌های او عبارت‌اند از: ۱. جهان‌شناسی و رستگاری‌شناسی در کیش قدیم اسماعیلی (۱۹۷۸م)؛ ۲. گنوسیسم در اسلام (۱۹۸۲)؛ ترجمه به عربی با نام الغنوصیه فی الإسلام؛ ۳. تشیع (۱۹۸۸م)؛ ۴. اسلام شیعی از دین تا انقلاب (۱۹۹۴م)؛ ۵. فاطمیان و سنت‌های تعلیمی و علمی-آنان (۱۹۹۷م)؛ ترجمه دکتر فریدون بدره‌ای؛ ۶. اسلام گذشته و حال (۲۰۰۰م) و نیز کتاب‌ها و مقالات فراوان دیگری در این زمینه نگاشته است. کتاب تشیع وی که یک دور تاریخ تشیع از ابتدا تا انقلاب اسلامی ایران را پوشش می‌دهد، از منابع مطالعاتی مراکز علمی غرب است.

را در «فتاوی‌ای ابن تیمیّه بر ضد فرقه نصیریه» بررسی کرد. «فرقه نصیریه (علویان) در میان منابع فرق اسلامی» اثری از محمد بقایی است که به بازخوانی وضعیت این فرقه در منابع پرداخته است. نقد و بررسی آثار و دیدگاه‌های هالم نیز مدنظر پژوهشگران بوده است؛ دو کتاب **بررسی و نقد دیدگاه هاینس هالم و آندره جی نیومن پیرامون حکومت اسلامی در زمان غیبت با ولایت نایب عام امام معصوم (ولایت فقیه)** و **تشیع و انقلاب اسلامی ایران از منظر شرق‌شناسان؛ مطالعه موردی هاینس هالم و آندره جی نیومن** از منظر سیاسی به دیدگاه‌های هالم پرداختند و محمد العبادی در مقاله «مع المستشرق هالم فی کتاب الغنوصیه فی الاسلام» دیدگاه‌های هالم را به نقد گذاشته است. پایان‌نامه **ارزیابی کتاب تشیع اثر هاینس هالم** نیز کتاب تشیع را موضوع نقد و بررسی قرار داده است. هیچ‌یک از آثار نام‌برده به مقاله «نصیریه» در **دائرةالمعارف اسلام** پرداخته‌اند و این نوشتار اولین تحقیق در این موضوع به شمار می‌آید که به تبیین و نقد و بررسی مقاله همت گمارده است. البته با هدف بررسی جامع دیدگاه هالم درباره سیر تاریخی و تبیین آموزه‌ها و ماهیت عرفانی عقاید نصیریه، **کتاب الغنوصیه** وی نیز استفاده شد.

۲. تبیین تاریخی نصیریه

نصیریه / علویان یکی از فرقه‌های مذهب شیعه اثناعشریه است که بزرگ‌ترین اقلیت دینی در سوریه و ترکیه را تشکیل می‌دهند. از نصیریه به منزله یکی از فرقه‌های غلات یادشده و به محمد بن نصیر یا نمیر نسبت داده شده است. (سمعانی، ۱۹۶۲م: ۱۱۳/ ۱۲۱) امروزه فرقه‌ای با این نام وجود ندارد، ولی فرقه دیگری به نام علویه یا علویین موجود است که گفته می‌شود آنان همان فرقه نصیریه‌اند که به علویه تغییر نام داده و در جبال لاذقیه (سوریه) و برخی مناطق ترکیه (کیلیکیا) ساکن هستند.

۱.۲. کلیات و تاریخ فرقه

هالم فرقه نصیری را یک فرقه شیعی می‌داند که در غرب سوریه و جنوب شرقی ترکیه امروزی پراکنده‌اند و تنها شاخه افراطی غالی کوفه هستند که تا دوران معاصر باقی مانده‌اند و نام نصیری را برای این فرقه مستند به قدیمی‌ترین منابع تاریخی می‌داند که برگرفته از نسبت ابن نصیر بوده و از قرن ۵ ق/ ۱۱ م این عنوان رایج شد و تا قبل از آن و تأسیس این فرقه در سوریه ثبت نشده است. (Halm, 1986: 145)

هالم خاستگاه نصیری را مستند به منابع تاریخی به قرن سوم در عراق و ادعاهای محمد بن نصیر نمیری از حامیان امام هادی (علیه‌السلام) برمی‌گرداند که برای امام سرشتی الوهی قائل بود. (نویختی، ۱۳۹۶ م: ۷۸. ابن اثیر، ۱۴۲۲ ق: ۱۰۰؛ طوسی، ۱۴۰۴ ق: ۵۲۰؛ هالم، ۲۰۰۳ م: ۲۸۲) اگرچه محمد بن نصیر مورد لعن امام قرار گرفته (طوسی، ۱۴۰۴ ق: ۵۲۰ و ۹۹۹) اما مورد حمایت محمد بن موسی بن حسن بن فرات جعفری کاتب دربار بود. (طوسی، ۱۴۰۴ ق: ۳۰۲ و ۵۵۴) وی بدون نام‌بردن از منبع خاصی اشاره دارد که منابع نصیری، ابن نصیر را شاگرد مورد علاقه امام یازدهم حسن عسکری (م ۲۶۰ ق/ ۸۷۴ م) می‌دانند که امام وحی جدیدی به او سپرد که هسته اصلی عقاید نصیری را تشکیل داد و از طریق جانشینانش گسترش یافت. تلاش مؤلف برای ارائه اطلاعات کامل از تاریخ نصیری و سیر تحولات آن، از نکات مثبت به شمار می‌آید که هالم برای تصویرگری از نصیری به آن اقدام نموده است. وی در اظهارنظری محققانه این برداشت که تاریخ نصیریان در قرون وسطی ناشناخته بوده و شروع ثبت وقایع نصیری از اوایل قرن بیستم با کتاب **تاریخ العلویین** باشد را قابل تردید و نیازمند بازنگری دانست. از این رو خود در مقاله **دائرة المعارف اسلام** (E12) به بازکاوی تاریخ نصیری در ادوار مختلف تاریخی پرداخت.

سلطه صلیبی‌ها در نخستین سال‌های قرن دوازدهم را آغاز تصرف بخش غربی

قلمرو نصیریان توسط صلیبی‌ها دانست که موجب الحاق بخش شمالی منطقه جبل انصاریه به قلمرو پادشاهی نورمن در انطاکیه شد. هالم با اشاره به نفوذ بی‌نتیجه مسیحیان در منطقه کوهستانی، علت نفوذ نزاری‌ها در این منطقه را فروش قلعه «القدموس» توسط امیر کهف به نزاری‌های الموت می‌داند که به دنبال آن مالکیت دیگر قلعه‌ها در کوه‌های جنوبی کهف، الغریبه، مصیاف، الخوایی و الرصافه را نیز به دست آوردند. البته نفوذ اسماعیلیه در منطقه درگیری‌های را به دنبال داشت که زمینه‌ای برای شکل‌گیری شورای نصیریه در آن (در مناطق میانی فرات) در سال ۶۹۰ق/۱۲۹۱ در صافینا شد. (عثمان، ۱۴۱۸: ۲۶۵) با تصرف جبل، لاذقیه، قلعه صلاح‌الدین و قلعه مهالیه توسط صلاح‌الدین در سال ۵۸۴ق/۱۱۸۸م توسط ایوبیان، منطقه جبل بخشی از سلطان‌نشین ایوبی شد و هالم مهم‌ترین وقایع دوره ایوبی را استقرار قبایل بدوی از سنجار به رهبری حسن مکرون سنجاری و پاسخ مثبت ایوبیان به درخواست کمک نصیریان برای پس زدن حملات اسماعیلیون در سال ۶۱۷/۱۲۲۰م دانست که نتیجه‌ای جز شکست و عقب‌نشینی به سنجار نداشت. البته بعدها در منطقه ابوقییس و سیانو به قدرت رسیدند و سربازانش در قبایل مختلف حضور یافتند. دوره ممالیک نیز با تصرف قلعه‌های اسماعیلیون در جنوب جبل توسط بایبارس صورت گرفت و مهم‌ترین تأثیر آن گرایش نصیریان به آیین تسنن و ممنوعیت برگشت به این فرقه و ساخت مساجد فراوان در مناطق مختلف بود که البته بعدها بنا برگزارش این بطوطه مساجد رها شد و به طویله و اصطبل تبدیل شد. (ابن بطوطه، ۱۳۷۶، ۱: ۱۷۷)

هالم در بررسی بیشتر تاریخ نصیریه و دشواری‌های این فرقه، به فتوای مشهور ابن تیمیه نیز اشاره دارد که با معرفی نصیریان به عنوان بدعت‌گذار و بت‌پرست، جهاد علیه آنان را جایز دانست و به دنبال این اقدامات سخت‌گیرانه کتاب‌های مشتمل

بر عقاید تعصب‌آمیز نصیریان مصادره شد و البته هالم آورده است که نصیریان از این مرحله هم عبور کردند و ماندند. وی معتقد است با روی کار آمدن عثمانیان و سلطه آنها بر این مناطق، فشارها بر این فرقه کاهش یافته و منطقه نفوذ و حکمرانی نصیریان در این دوره را بر اساس نظر سی‌نیبور در چهار منطقه بهلولیه نزدیک لاذقیه، سامرین، بلاد شویال و در صافینا می‌داند تا اینکه در ۱۸۳۲م ابراهیم پاشا مقاومت صافینا را شکست و بعد از آن در سال ۱۸۵۴م دولت ترکیه کنترل و اداره جبل را به طور مستقیم از طریق گماردن یک رئیس قبیله محلی به دست گرفت و نزاع‌ها و درگیری‌ها تا پایان حکومت عثمانی ادامه یافت. هالم وضعیت تاریخی نصیریان بعد از فروپاشی عثمانی نیز دنبال نموده و آورده است با ورود فرانسه در سوریه، قلمرو نصیریه تقسیم شد، کیلیکیه به جمهوری ترکیه واگذار شد و اسکندرون از مابقی سوریه جدا و تحت اداره مستقل قرار گرفت. در ۳۱ اگوست ۱۹۲۰م فرانسویان «قلمرو خودمختار علوی» را تأسیس کردند که از حوزه لاذقیه، بخش شمالی حوزه طرابلس و بخش‌هایی از مصیاف (شهر حمص) تشکیل می‌شد. در دوازدهم جولای ۱۹۲۲م اعلام شد که این قلمرو یک ایالت است و همراه با ایالت‌های دمشق و حلب «فدراسیون ایالت‌های سوریه» را تشکیل داد. در اوایل سال ۱۹۲۴م، این فدراسیون منحل گشت و ایالت علوی به «ایالت مستقل علوی» که توسط حاکم فرانسوی حکمرانی می‌شد. در سال ۱۹۳۰م، ایالت علوی به «دولت لاذقیه» تغییر نام داد و در دهم ژانویه ۱۹۳۷م به یک استان تبدیل گشت. پرچم علوی (یک خورشید روی یک زمینه سفید) با پرچم سه رنگ سوریه جایگزین شد، در سال ۱۹۳۹م فرانسویان اسکندرون را به ترکیه واگذار کردند.

(Halm, 1986: 146)

هالم در پایان بررسی تاریخ نصیریه جمع‌بندی و تحلیلی ارائه نموده است که نشان از درک مناسب او از تحولات این فرقه دارد. وی آورده است نصیریه با وجود عمر هزارساله

خود، پیروانش در انزوا و گوشه‌گیری بوده و تنها در یکی دو قرن اخیر در تحولات نقش آفرین بوده‌اند. مهم‌ترین عامل زیست پنهانی این گروه را می‌توان دشمنی حکومت‌ها و بعضاً جامعه اهل سنت نسبت به آنان به خصوص از قرن ششم به بعد دانست که به دلیل تشنت گزارش‌های تاریخی درباره آنان از یک سو و کمی تاریخ‌های محلی مربوط به مناطق سواحل شمال شام در جریان تاریخ‌نگاری اسلامی، گزارش چندانی از تاریخ آنان در اختیار نبوده و قضاوت درباره تاریخ و تحولات این فرقه را دشوار ساخته است. این تحلیل هالم اگرچه از نگاه یک فرد بیرونی با تکیه بر منابع اسلامی، نشان از رویکرد منصفانه وی در تبیین وضعیت این فرقه دارد، اما با رویکرد درون‌دینی و با توجه به حساسیت‌های برخی مسائل اعتقادی مطرح شده از سوی این فرقه، جای تأمل بیشتر و بررسی دقیق‌تر دارد.

۲،۲. شخصیت‌های نصیری

هالم در ضمن بیان تاریخچه نصیریه به معرفی مهم‌ترین شخصیت‌های آن پرداخته و بیان داشته است نصیریان معبود دوشان پس از خدا را محمد بن نصیر می‌دانند که نامشان را از او گرفته و او را دریافت‌کننده وحی پنهانی از امام یازدهم حسن عسکری (علیه‌السلام) می‌دانند. (هالم، ۱۳۹۳: ۳۶۹) وی آیین نهایی نصیریه را تلاش‌های چند نسل از شیوخی می‌داند که به ابن نصیر منتهی می‌شود و عبارت‌اند از: ابوشعیب محمد بن نصیر نمیری (ح ۲۵۰ق/ ۸۶۴م)، محمد بن جندب جانشین ابن نصیر؛ ابومحمد عبدالله الجنان الجنبلازی (۲۷۸ق/ ۹۰۰م) مهاجری ایرانی از منطقه فارس در عراق؛ ابوعبدالله حسین بن حمدان خصبی (۳۴۶ق/ ۹۵۷م) رئیس جمعیت نصیری در حومه کرخ در جنوب بغداد؛ ابوالحسین محمد بن علی الجلی (بعد از ۳۸۴ق/ ۱۰۳۵م) جانشین خصبی در حلب؛ ابوسعید المیمون سرور بن القاسم الطبرانی (۴۲۶ق/ ۱۰۳۵م) و هالم

اشاره دارد که در شهادت‌نامه^۱ نصیریان به نام و ویژگی برجسته این شخصیت‌ها نیز اشاره می‌شود. (هالم، ۱۳۹۳: ۲۷۰) اگرچه اطلاعات درباره محمد بن جندب شاگرد ابن نصیر جز نام اطلاعاتی نیست اما او قهرمان کتاب «الاکوار و الادوار النورانیه» است که به احتمال قوی نوشته جنبلانی سومین شیخ نصیری است که کتابش به ما رسیده است. به نظر هالم از آن جاکه جنبلانی یک پارسی ایرانی تبار است، برخی گرایش‌های ایرانی‌گریه با آموزه‌های نصیری به او مربوط می‌شود. او عیدهای نوروز و مهرگان در اعتدال ربیعی و اعتدال پاییزی را به عنوان روزهایی که در آنها علی (علیه‌السلام) در خورشید متجلی می‌شود به اعیاد نصیریان تبدیل کرد و به نقش سرور بن قاسم طبرانی با لقب میمون در تکمیل عقاید نصیری اشاره داشته و با احتمال او را به عنوان مؤلف کتاب نصیری «الاطله» معرفی می‌کند که در ۴۲۶ ق/ ۱۰۳۴ م در لاذقیه درگذشت. (هالم، ۱۳۹۳: ۲۷۱)

در ادامه معرفی شخصیت‌ها به بعضی مؤلفان نصیری در دوره‌های اخیر اشاره دارد. وی تألیف کتاب **تاریخ العلویین** توسط محمدامین غالب طویل نصیری در سال‌های آخر امپراطوری عثمانی را تحولی مهم برای نصیریان دانست، زیرا در این کتاب اصطلاح «نصیری» جای خود را به «علوی» داد تا از این طریق نصیریان را از اشتهار به بدعت‌گذاری و حتی شرک برهاند و نشان دهد در واقع شیعه دوازده‌امامی هستند. از این‌رواز سال ۱۹۲۰م جعفری‌مذهب‌ها در شهرهای جنوب کشور منصوب شدند. (Halm, 1986: 146)

۳،۲. وضعیت موجود

هالم در تبیین وضعیت موجود نصیرییه ابتدا با اشاره به پراکندگی جغرافیایی آنان، جایگاه اصلی و مرکز نصیرییه را در سوریه در دشتی بر کرانه دریا و منطقه کوهستانی که

۱. در شهادت‌نامه نصیریان چنین آمده است: «اشهد بأنی نصیری الدین، جندی الرأی، جنبلانی الطریقه، خصیبی المذهب، جلی المقال، میمونی الفقه. شهادت می‌دهم که دین من نصیری، نظر من جندی، طریقت من جنبلانی، مذهب من خصیبی، سخن من جلی و فقه من میمونی است». (هالم، ۱۳۹۳: ۲۷۰ به نقل از: اذنی الباکوره، مجموع الاعیاد، سوره ۱۱۱(الشهاده)، ص ۲۷)

معتقدان به این فرقه آن را کوه انصاریه می‌خوانند و در نقشه‌های جدید کوه علویان (جبل العلویین) خوانده می‌شود. (هالم، ۱۳۹۳: ۲۵۸) به دنبال تحولات سیاسی و اجتماعی نصیریان از این کانون پراکنده شده و در بخش‌هایی از دشت‌های اطراف در نواحی شرق و غرب و جنوب غربی پراکنده شده‌اند. با این وجود شهرهای اطراف جبل مانند لاذقیه، جبل، بانیاس، طرطوس، صافیتا، تلکلیخ، حمص، مصیاف، حمات همواره اکثریتی غیرنصیری داشته و اقلیت‌های نصیری در جنوب حمص در فلات بین مصیاف و رود عاصی (نهر العاصی) به سمت شمال شرقی حمات و در مناطق معره النعمان، ادلب و حلب و همچنین دمشق پراکنده‌اند. در ضمن بررسی تحولات سیاسی تأثیرگذار بر سرنوشت نصیریه بعد از فروپاشی عثمانی و تقسیم به قلمروهای مختلف و در نهایت تشکیل ایالت علوی در سوریه به جمعیت نصیری پرداخته (Halm, 1986: 146) و اشاره دارد که در سال ۱۹۶۴ تعداد نصیریه در سوریه ۶۰۰ هزار نفر (کمتر از ۱۱ درصد جمعیت کشور) برآورد شد که با قدرت‌گرفتن حافظ اسد رئیس‌جمهور علوی سوریه در ۱۹۷۰م آنان نقش مهمی در حکومت و ارتش و ادارات رسمی این کشور بازی می‌کنند. (هالم، ۱۳۹۳: ۲۵۸) در کشورهای همسایه سوریه نیز اقلیت‌های علوی حضور دارند. در شمال لبنان و نیز در سهل عکار و طرابلس در مجاورت جنوب مرز سوریه اقلیتی نصیری حضور دارند. هالم معتقد است امروزه اقلیت علوی به لحاظ آماری در خاک ترکیه اهمیت دارند. در انطاکیه (حدود یک‌پنجم ساکنان)، جنوب رود عاصی، در دشت ساحلی اسکندرون، طرسوس و اذنه در منطقه کلیکیه مراکز گسترده‌ای با اقلیت‌های پرشمار علوی هستند. (هالم، ۱۳۹۳: ۲۵۹. Halm, 1986: 146)

جایگاه اجتماعی و سیاسی نصیریان در سوریه امروزی مورد توجه هالم بوده و معتقد است با قدرت گرفتن حزب بعث در ۱۹۶۳م وزن سیاسی سنگینی یافتند. وی در تحلیلی به چرایی آن پرداخته و حضور بیش از اندازه علویان در میان افسران ارتش را موجب

آن دانسته که ریشه در ناتوانی مالی در پرداخت وجه نقد جهت خرید سربازی و حضور گسترده‌تر در قوای نظامی داشت. ضمن آن‌که ارتش فضای مناسب و آزادی برای علویان روستایی فراهم می‌کرد و با حمایت‌های دولت پیشرفت‌های اقتصادی در مناطق علوی‌نشین فراهم شد و لاذقیه که شهری کوچک بود در دهه‌های اخیر با ساخت بندر و ساخت‌وساز سریع به توسعه‌ای کم‌مانند رسید که با تعطیلی بندر بیروت در دوره کوتاهی به دلیل جنگ داخلی، از مهم‌ترین بندرهای خاورمیانه شد. وی در ادامه تحلیل از وضعیت امروز به مسئله مخالفان دولت نصیری به برخی اقدامات و شورش‌های آنها اشاره داشته و معتقد است امروز نظام علوی سوریه با اقلیت‌های مسیحی، اسماعیلی و دروزی که از حکومت اهل سنت طرفی نمی‌بندند با تسامح برخورد می‌کند. (هالم، ۱۳۹۳: ۲۶۰)

۳. عقاید نصیری و ماهیت آن

هالم بررسی عقاید نصیری را با یک پیش‌فرض بیان نموده که در هیچ‌یک از منابع شناخته‌شده نصیری، نظام عقاید آنان به صورت منسجم مطرح نشده است و معمولاً به صورت مجموعه‌های حدیثی منقول از امامان یا شیوخ نخستین است. وی در این زمینه به نظر بعضی خاورشناسان به این مسئله اشاره دارد. دوسو محتویات کتاب **الصراف** نوشته مفضل جعفی را یابوه دانسته و اشترتومن نیز بی‌بضاعتی فکری متون نصیری را بیان نموده و این‌که سبک مردم ساده‌اندیش در آثار این متفکران با حدسیات عوامانه توجیه‌شدنی نیست. با این مقدمه هالم به تبیین عقاید نصیری پرداخته و در همان ابتدا مبنای تبیینش را بر این اعتقاد بنا نهاده که جزئیات عقاید نصیری جز با توجه به اصل اسطوره‌آفرینش و هبوط ارواح نورانی و محبوس‌شدنشان در تن‌هایی از جنس گوشت و خون نمی‌توان دریافت. (هالم، ۱۳۹۳: ۲۷۲) سپس با اشاره به کتاب **الهفت و الاظله** به منزله یکی از سه منبع اصلی آیین نصیری با استناد به نمونه‌هایی از محتوای آن به شرح عقاید نصیری پرداخته است.

۱،۳. اندیشه‌های بنیادین نصیریه

هالم در تبیین اندیشه‌های بنیادین نصیریه به مسئله آفرینش و هبوط ارواح، ایمان و هفت مرتبه آن، جایگاه امام، نقیب و مسئله باییت، تناسخ ارواح و هبوط آنها پرداخته است و در ادامه به برخی مسائل عبادی، چگونگی تشریف به این آیین و... اشاره دارد.

۱،۱،۳. آفرینش و هبوط

مسئله آفرینش و حجاب چندباره نصیریان را مستند به نقل مطالبی از کتاب الباکوره از منابع اصلی نصیریه اینچنین آورده است که همه طوایف نصیری معتقدند در آغاز پیش از پیدایش جهان، ارواح نصیریان نوری درخشان و ستارگانی نورانی بودند که طاعت را از معصیت بازمی‌شناختند و در آن زمان علی بن ابیطالب را به رنگ زرد می‌دیدند. پس با خود اندیشیدند که خلقی والاتر از ما خلق نشده است، این نخستین گناهی بود که نصیریان مرتکب شدند پس جنجالی برایشان خلق شد که هفت هزار سال آنان را پوشاند. سپس علی بن ابیطالب بر آنان ظاهر شد و گفت آیا من خدایتان نیستم؟ (الست بریکم)، گفتند: چرا (قالوا بلی). (اعراف: ۱۷۲) پس گمان کردند که او را تمام و کمال می‌بینند چون می‌پنداشتند که مانند خودشان است و این خطای دومشان بود، پس حجاب دوم را بدیشان نشان داد و هفت هزار سال در آن طواف می‌کردند و همین‌طور حجاب‌های بعدی تا هفت مرتبه، سرانجام خداوند خانه‌ای دون (سفلانیه) برایشان آفرید و هبوطشان داد در هیكلی بشری و حجابی هم جنس خودشان هم ظاهر کرد. سپس از گناه آنان ابلیس‌ها و شیاطین و از گناه ابلیس زنان را آفرید و در جهان‌های هفت‌گانه بر آنان ظاهر شد. (هالم، ۱۳۹۳: ۲۷۴)

۲،۱،۳. اندیشه تناسخ و حلول

هالم در تبیین آموزه‌های این فرقه به اعتقادی دیرین و چگونگی مسئله تناسخ و حلول

ارواح اشاره دارد که نصیریان معتقدند در جریان سقوط آنها خدای بزرگ هفت مرتبه بر آنها ظاهر شد و در هر ظهور خدا که معنا نامیده می‌شود با دو اقوم فروتر به نام «اسم» که حجاب نامیده می‌شود و «باب» همراهی می‌شود. سپس هالم به نمونه‌هایی از این سه‌گانه در اعتقادات نصیری که در زندگی زمینی آشکار شدند، اشاره دارد. معنا پی‌درپی در هابیل، شیث، یوسف، یوشع، آصف، سنت پتر و علی بن ابیطالب و سپس در امامان تا امام یازدهم حسن عسکری (علیه‌السلام) تجسم یافته است. هالم در توضیحات بیشتر این‌گونه بیان می‌کند که بنابر اعتقادات نصیری همه اینان ظهورات الوهیت‌اند ولی سرشت حقیقی‌شان با حضور حجاب یا اسم (آدم، نوح، یعقوب، موسی، سلیمان، عیسی و محمد) پنهان شده است و هر یک از آنها با بابی همراهی می‌شوند. از سه‌گانه اصلی دوران اسلامی یاد می‌کند که عبارت‌اند از علی (معنا)، محمد (اسم، حجاب) و سلمان فارسی (باب). در ادامه به یکی از نکات مهم و انحراف اصلی اعتقادات غالیان نصیری اشاره دارد که همان اعتقاد به الوهیت علی بن ابیطالب و تقدیس او به عنوان خدای ازلی و قدیم است. (سمعانی، ۱۹۶۲: ۸/۱۶۶)

در ادامه شرایط و قوانین نظریه تناسخ ارواح در نصیریه پرداخته آن را تابع قوانینی می‌داند. بر اساس آن مسخ کافران در کالبد‌های حیوانی و نسخ مؤمنان آزمایش شده (ممتحن) در هفت پیراهن ناسوتی و سپس بازگشتشان از راه آسمان‌های هفت‌گانه است به ارواح نورانی در اقامت نخستینشان در آسمان زیرین همان ستاره‌هایی می‌شوند که در آسمان دیده می‌شوند و این سیر صعودی تا غایت نهایی (رؤیت نور نامحجوب الهی) طی می‌شود. (هالم، ۱۳۹۳: ۲۷۷) این‌گونه معناگرایی و تأویل مفاهیم و تفسیرها، زمینه‌های گرایش هالم به ماهیت عرفانی این فرقه را موجب شد.

۳،۱،۳. ایمان و گناه در آیین نصیری

هالم بر اساس مطالب ام‌الکتاب از منابع اصلی نصیری به مسئله ایمان و مراتب آن

در آیین نصیریه پرداخته آورده است، مؤمنانی که در هر آسمان الوهیت را شناخته‌اند خود به هفت مرتبه تقسیم می‌شوند؛ در مرتبه اول باب است زیرا او نخستین مؤمنان است، سپس ایتمام که در اصل فقط دو نفرند: مقداد و ابوذر که در میراث نصیری به پنج تن افزایش می‌یابد و آنها خالقان زمین‌اند، سپس نقبای دوازده‌گانه و نجبای بیست و هشت‌گانه و مختصون و مخلصون و ممتحنون که روی هم تعدادشان به ۱۲۴ هزار تن می‌رسد. (هالم، ۱۳۹۳: ۲۷۵)

آخرین مرحله آزمون ایمان که از ارواح می‌شود، در پی آن هبوطشان را به زمین و تیرگی به دنبال داشته و در این روند زنان که آفریده گناهان شیاطین هستند و نقش فاسد در ام‌الکتاب را بازی می‌کنند و این عامل باور به سرشت شیطانی جسمانیت و جنسیت شده و از این رو جنسیت داشتن انبیا و امامان در آیین نصیریه انکار می‌شود تا آن‌جا که معتقدند شیوخ زمینی از راه تناسل جسمی فرزنددار نمی‌شوند و هیچ نیاز جسمی را احساس نمی‌کنند. لذا رویکرد مثبت قرآن به ازدواج از نظر نصیریه، استعاره و مجاز برای بیان اسرار غنوص پنداشته می‌شود. (هالم، ۱۳۹۳: ۲۷۵)

۴،۱،۳. منصب باییت

در تبیین منصب باییت هالم آورده است بنابر اعتقادات نصیریه زمین هفت دوره زمانی را پشت سر گذاشته در هر دوره‌ای یک پیامبر ظهور کرده است (آدم، نوح، یعقوب، موسی، سلیمان، عیسی و محمد) اما این پیامبران صرفاً حجاب یا اسم هستند که در جانشین ظاهری پیامبر نهفته شده است: هابیل، شیث، یوسف، یوشع بن نون، آصف (بن برخیا)، شمعون (پترس رسول) و علی و هرابی با دوگانه اسم و معنا همراه است که در دوره اسلامی یازده امام صرفاً نام‌هایی هستند که معنا در پس آنها مخفی شده است. ابواب یازده امام، واسطه‌های میان الوهیت پنهان و مؤمنان تشریف یافته‌اند. پس از ذکر ابواب هر امام که البته بعضی از آنها

را از شخصیت‌های برجسته غلو کوفی می‌دانند، محمد بن نصیر باب امام حسن عسکری (علیه‌السلام) معرفی شده که امام الهامات سری‌اش را تنها با وی در میان می‌گذاشت. سپس ملاک نجات در مذهب نصیری را شناخت هویت معنی معرفی می‌کند و اینکه این شناخت، رهایی از تناسخ، سفر روح تا آن سوی هفت آسمان و رسیدن به مقصد نهایی را در پی دارد. البته به این اعتقاد نصیری نیز اشاره دارد که زنان از این سیر محروم‌اند زیرا آنان از گناهان شیاطین زاده شده‌اند به همین دلیل آنان مجاز به شرکت در مناسک مردان نیستند. هالم در اشاره‌ای کوتاه نقدی بر عقاید نصیری بیان نموده که دیانت عامیانه نصیری به‌ویژه دیانت زنان، ردپایی از الحاد دارد و شواهد آن را احترام به مکان‌های بلند، چشمه‌ها و درختان سبز، آیین مقدس برای مناسک تشریفاتی و جشن‌ها برشمرده است. (Halm, 1986: 148)

۲،۳. تشریف به آیین نصیری

از نگاه هالم مراسم تشریف به آیین نصیری و پذیرش این آیین رابطه تنگاتنگ با عقیده رهایی غنوصی داشته و این مراسم را در خدمت زایش معنوی روح جدید است. وی چگونگی این مراسم را بر اساس دو منبع نصیری بیان نموده که اشاره به سه مرحله دوره حمل، زایش و شیرخواری یک غنوصی تازه دارد؛ این مراسم در شرایطی بسیار شبیه به ازدواج در اجتماع هم‌کیشان در خانه میزبان به ریاست سه پیر یا سه شیخ انجام می‌شود که نماینده سه رتبه‌اند: امام، نقیب و نجیب که خود نماینده سه تجلی معنا، اسم و باب هستند. روح شاگرد که هنوز نورانی نشده با روح مرشد ازدواج می‌کند و در طی روندی نه‌ماهه (در خواص هفت ماه) رشد می‌کند و تکامل می‌یابد. هالم با استناد به مطلبی از اشعری قمی به وضعیت مخمسه اشاره دارد که در میان آنها نیز ازدواج معنوی رواج داشته اشاره دارد که «معرفت» (غنوص) منتقل می‌شود. البته به این مراسم اول «تعلیق» و «مشورت» نیز گفته می‌شود و چهل روز بعد نوبت

به فاش گفتن راز تجلیات سه‌گانه الهی می‌رسد. مراسم دوم که زایش است، هفت یا هشت ماه بعد رخ می‌دهد و سمع نامیده می‌شود و اساس آن بر سوگند شاگرد است به اینکه زندگی‌اش را گرو گذارد تا اسرار مذهب فاش نشود. پس از زایش مرحله شیرخواری است که دو سال طول می‌کشد و منظور از آن آموزش مذهبی و یادگیری متون اصلی دینی است و دو مرشد مسئول آن هستند. در پایان بیان نموده است که عبارت‌های این مراسم به جز نقل قول‌های قرآن، همه برآمده از کتاب **المجموع** از کتب آیینی مهم نصیری است که از شانزده سوره کوتاه تشکیل می‌شود. (هالم، ۱۳۹۳: ۲۷۸)

۳،۳. اعیاد نصیرییه

هالم در بررسی عقاید نصیرییه با طرح برخی گزارش‌های شریعت‌گريزانه آنها نکته‌ای مطرح می‌کند که رهایی از آموزه‌های شریعت را به معنای نفی کلی شریعت در نصیرییه نمی‌داند بلکه معتقد است نصیریان مراسم شعارگونه‌ای در عیدهای بزرگ برپا می‌کنند که در **الباکوره السلیمانیه** آمده و مجموعه‌ای کامل از مناسک و عبادات شامل سجده و رکوع فراوان برای خدایانی است که در علی، هابیل، شیث و شمعون حلول کرده است. (هالم، ۱۳۹۳: ۲۸۷) وی بر اساس منابع نصیری آورده است که در میان اعیاد نصیری، اعیادی که به علی (علیه‌السلام) / معنا مربوط شود، با فضیلت‌تر دانسته می‌شود به خصوص عید غدیر که سالروز واگذاری ولایت به علی از نظر شیعیان ظاهری (امامیه) است ولی به نظر نصیرییه رد این روز حضرت محمد (ص) با ندا و اشاره؛ توحید مولایش علی (علیه‌السلام) را آشکار نموده است. (هالم، ۱۳۹۳: ۲۸۸) از اعیاد دیگر نصیریان روز مباحله یازدهم ذی حجه است که به نظر آنها پیامبر با فرستادگان نجران بر سر الوهیت عیسی اختلاف کردند و پیامبر نزدیک‌ترین افراد به خود را زیر عبای خود گرفت تا همه باهم حکم خداوند را اعلان کنند. به نظر هالم این گردهمایی اتحادی پنج تن اهل کسا، بیش از هر چیز با نظریه تجلیات پنج‌گانه

خداوند در عقاید گالیان برابر است. (هالم، ۱۳۹۳: ۲۸۸)

مناسبت مهم شیعی دیگر واقعه عاشورا است که با تفسیر متفاوت نصیریان همراه بوده و هالم به آن توجه نموده است. نصیریان معتقدند که فاجعه‌ای رخ نداده است فقط امام حسین (علیه‌السلام) به آسمان عروج و صعود کرده و حنظله بن اسعد شبامی به شکل امام درآمد و خون خود را فدای حسین نموده است. (هالم، ۱۳۹۳: ۲۸۹) دو عید بزرگ دیگر مسلمانان یعنی عید فطر و عید قربان نیز تفسیر متفاوتی از سوی نصیریان داشته و معتقدند افطار پس از روزه بزرگ داشتن اسم / محمد (ص) است و امام عید قربان همان قائم و ظاهر شدنش با شمشیر و ریختن خون هر ضد و مخالفی در آخرالزمان است. عید دیگری که اسمی نداشته ولی با سرور و جشن مخفیانه نصیریان همراه است شب نیمه شعبان است که از مهم‌ترین اعیاد نصیریان است. در کنار این اعیاد اسلامی، چهار عید دیگر در تقویم شمسی اعتدال بهاری، اعتدال پائیزی، عید نوروز و مهرگان (عید میترا) نیز از سوی نصیریان جشن گرفته می‌شود که به نظر هالم از اقدامات جنبلانی باشد. هالم در ادامه این مسئله را هم‌چنین دلیلی بر ازلی بودن آیین باطنی نصیری و استقلال آن از وحی و قرآن می‌داند که محل تأمل است. در پایان هالم به این نکته نیز اشاره دارد که تنها عید مسیحی که در **مجموع الاعیاد طبرانی** از آن یاد شده «شب میلاد مسیح» است که در آن عیسی که در واقع چیزی جز محمد نیست و برای همین مادرش، مریم همان آمنه است. (هالم، ۱۳۹۳: ۲۹۱)

۴,۳. ماهیت عرفانی عقاید نصیریه

هالم پس از بیان خاستگاه و مروری بر تاریخچه کامل نصیریه در شرح اصول اعتقادی آنان، ابتدا جنبه غلو نصیریه نخستین را بیان نموده که گالیان نصیری علی بن ابیطالب را در جایگاه خدای ازلی و قدیم تقدیس می‌کنند امری که در منابع نیز آمده است. شهرستانی اعتقاد به الوهیت و خدایی امامان معصوم را به نصیریه نسبت

می‌دهد (شهرستانی، ۱۹۷۵: ۱۸۹/۱) و نوبختی محمد بن نصیر نُمیری را شیعه‌ای معرفی می‌کند که اعتقاد ربوبیت امام حسن عسکری (علیه‌السلام) را مطرح نموده، خود را پیامبر او دانست، به تناسخ اعتقاد داشت و محارم الهی را حلال می‌دانست و پیروانش نمیری نام داشتند. (نوبختی، ۱۹۳۶: ۹۳) اشعری و بغدادی از فرقه نمیری نام می‌برند که معتقد به حلول روح خداوند در نمیری هستند. (اشعری، ۱۳۸۱: ۱۵ و بغدادی، ۱۴۰۸: ۲۷۱) برخی از نویسندگان معتقدند اولین بار شهرستانی بین عقاید نمیری با نصیری خلط کرده و عقاید نمیری را به نصیری نسبت داده است. (صفری، ۱۳۹۱: ۱۳۴) هالم گالیان واقعی را نصیریان اباحه‌گرا می‌داند که تابع شریعت اسلام نیستند چون به معنای باطنی همه احکام دست یافتند و زنجیرها از گردشان برداشته شد. لذا به تأویل احکام و عبادات پرداختند و سجده در نماز در نظر آنان برخلاف پندار گمراهان، تضرع بردن به دیوار نیست، بلکه در واقع / باطن چیز دیگری است و نیاز به ساخت مسجد نیست. همین‌طور سایر مسائل و احکام شریعت را تأویل می‌برند. (هالم، ۱۳۹۳: ۲۸۶)

وی با این مقدمه اساس آموزه نصیریان را دارای ماهیتی عرفانی می‌داند. البته با بررسی مفهوم عرفان و کاربردهای آن در میان عارفان مسلمان، ماهیت عرفانی داشتن این اندیشه‌های نصیری محل بحث است؛ زیرا عرفان در یک تعریف کلی علم به مبدأ اعلی از راه اسماء، صفات الهی، شناخت ویژگی‌های مبدأ و معاد، از طرق سیر و سلوک است که در دو حوزه نظری علمی یا عرفان اصولی و سلوکی عملی یا عرفان وصولی متبلور شده است. عرفا معرفت را به دو گونه عقلی و قلبی تقسیم‌بندی می‌کنند؛ یکی از طریق استدلال و از اثر به مؤثر از فعل به صفت و از صفات به ذات که مخصوص عالمان است و دوم به طریق تسویه باطن و تجلیه سرّ از غیر و تحلیله روح و آن طریق معرفت انبیا و اولیا و عرفاست و هیچ کس را میسر نیست، مگر به سبب طاعت و

عبادت و سری مخفی است. (لاهیجی، ۱۳۷۱: ۸) ملاصدرا نیز راه کشف حقیقت را در سه طریق عقل، کشف و وحی می‌داند و عقل و برهان را میزان عرفان دانسته، مکاشفات خردستیز را باطل و غیرمتمد دانسته، اما راه کشف عرفان را یقینی‌تر و مطمئن می‌داند. (اشرفی، ۱۳۸۶: ۲۵) معرفت تلاش ذهن آدمی است که او را در تفسیر آنچه نام هستی گیرد آن را در عالم خودی کشف کند و به تازگی‌ها و دریافت‌های معرفتی توفیق یابد. (ناصح، ۱۳۸۷: ۹۵) معرفت کشف چیزی است در درون انسان که می‌تواند به واسطه آن عالم بیرون را تفسیر کند. در یک نگاه کاربردی‌تر و درعین حال ژرف و شگرف به معنای «معنویت‌خواهی» و «وجهه توحیدی و الهی» تحول یافته است که در حوزه عرفان و تصوف رسمی محدود نمی‌گردد و حتی قسیم دیگر انواع و شاخه‌های معرفت بشری نیز نخواهد بود، بلکه مفهومی گسترده داشته و همه ساحات‌های دانش و بینش الهی و بشری را نیز شامل می‌گردد که در فطرت و سرشت آدمیان ریشه دارد. هم‌چنین می‌توان عرفان را نوعی روش برای حصول به حقیقت دانست که بر این فرض بنا شده است که عقل و حواس پنج‌گانه، به دلیل خطاهای ادراکی، قابل اتکا نبوده و به تنهایی قادر به درک حقیقت نیستند و ازاین‌رو، به نوعی تلاش برای ادراک بی‌واسطه حقایق نیاز است که بدان، عرفان می‌گویند. همان که در تعبیر عرفا مقوله‌ای باطنی، جانمایه‌ای متافیزیکی، با ساحتی فراعقلی، در مسیر توحید ناب و فناء فی‌الله شدن و بقاء بالله یافتن است تا انسان با سیر و سلوک الی‌الله، مظهر اسماء جلال و جمال الهی، مصداق بارز خلیفه‌اللهی و آینه دار طلعت یار گردد. (رودگر، ۱۳۸۱: ۱۶)

عرفان‌شناسی تطبیقی اگرچه پیشینه تاریخی نسبتاً مقبول و موجهی دارد، آنچنان روشمند و کارآمد و درعین حال مرسوم نبوده است؛ ازاین‌رو خاورشناسانی که درصدد مقایسه عرفان‌های ادیان و مکاتب برخاستند، چون به همه منابع اصیل دسترسی

نداشته و با مبادی و مبانی عرفان‌ها بخصوص عرفان‌های وحیانی آشنایی عمیق نداشتند، توفیق چندانی در درک حقیقت آن نداشتند. در نیمه دوم قرن بیستم با ظهور «هانری کربن» فرانسوی، «ایزوتسو» فیلسوف و عارف بزرگ ژاپنی و «آن ماری شیمل» و بهره‌مندی آنان از بزرگانی نظیر علامه طباطبایی، جلال‌الدین آشتیانی، در عرفان پژوهی و حتی بحث‌های تطبیقی گام‌های قابل توجهی برداشته شد. هالم اگرچه از خاورشناسان متخصص درباره گالیان به شمار می‌آید، انتساب اندیشه‌های انحرافی و گالیانه این فرقه مانند الوهیت امام علی (علیه‌السلام) به عرفان، نشان از فهم نادرست حقیقت عرفان و غیرمنطبق با تعاریف و دیدگاه‌های ذکرشده از عرفای اسلامی بوده و پذیرفتنی نیست. بر اساس دیدگاه‌های مختلف درباره چیستی مکاشفات و تجارب عرفانی، درک حقیقت بر اساس عقاید نصیریه دشوار می‌نماید. نه می‌توان این عقاید انحرافی نصیریه را بر اساس نظریه ذات‌گرایی، از نوع اوصاف مشترک بین تجارب عرفانی دانست و نه بر اساس دیدگاه ساخت‌گرایان، مکاشفه‌ای برساخته از ذهنیات و باورهای دینی عارفان.^۱ مگر اینکه منظور هالم از جنبه عرفانی عقاید نصیریه، تشابه در نگرش و سبک اندیشه‌ها و صرف توجه به جنبه‌های ماورایی باشد که در مقاله اشاره‌ای به آن نشد و خود مقوله دیگر و قابل بررسی است.

۴. نتیجه‌گیری

هالم مطالب مربوط به فرقه نصیریه را در محور اصلی ریشه‌شناسی، پراکندگی جغرافیایی، خاستگاه، تاریخچه، اصول عقاید نصیریه و برخی شعائر و آیین‌ها و اعیاد نصیری ارائه نمود. وی در توضیح مقدماتی نصیریه را یک فرقه شیعی دانست و خاستگاه نصیریه را مستند به منابع تاریخی به قرن سوم در عراق و ادعاهای محمد بن نصیر نمیری از حامیان امام هادی (علیه‌السلام) برگرداند که برای امام سرشتی

۱. برای مطالعه بیشتر رک: احمدی سعدی، ۱۳۹۰: ۷۷-۹۴.

الوهی قائل بود. در تبیین آموزه‌های این فرقه با اشاره به چگونگی مسئله تناسخ به منصب بابیت محمد بن نصیر نیز توجه داشته و بیان نموده که در نظر نصیریه ابواب یازده امام، واسطه‌های میان الوهیت پنهان و مؤمنان هستند. وی در ضمن بررسی تفصیلی سیر تاریخی این فرقه، مهم‌ترین شخصیت‌های نصیری را معرفی نمود و در تبیین وضعیت موجود ابتدا پراکندگی جغرافیایی آنان را مدنظر قرار داده، جایگاه اصلی و مرکز نصیریه را در سوریه در جبل انصاریه (که امروزه به جبل العلویین معروف است) بین الحفه به طرف شمال و تلکلیخ به سمت جنوب می‌داند. اگرچه هالم تصویر مناسبی از فرقه نصیریه مطابق با گزارش منابع ارائه نموده است، ورود تفصیلی به وضعیت اعتقادی نصیریه معاصر نداشته و به تمایز میان نصیریه نخستین و معاصر نپرداخته است. البته هالم نصیریه کنونی را همان امتداد مسیر غالیان دانسته که علی بن ابی طالب را در جایگاه خدای ازلی و قدیم تقدیس می‌کنند و آشکارا به غلاتی مانند ابوالخطاب متوسل می‌شوند. وی تحت تأثیر باطن‌گرایی نصیریه، اعتقادات آنان را دارای ماهیت عرفانی می‌داند که با بررسی مفهوم عرفان و کاربردهای آن در میان عارفان مسلمان، ماهیت عرفانی داشتن اندیشه‌های نصیریه محل تأمل است.

منابع

۱. ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی بن ابی‌الکرم. (۱۴۲۲ق). **الکامل فی التاریخ**. تصحیح عمر عبدالسلام. بیروت: دارالکتب العربی.
۲. احمد، علی محمد. (۱۹۹۷م/۱۴۱۸ق). **العلویون فی التاریخ: حقائق و اباطیل**. بیروت: مؤسسه النور للمطبوعات.
۳. احمدی سعدی، عباس. (۱۳۹۰). «ماهیت تجربه عرفانی در اندیشه شهاب‌الدین سهروردی»، **پژوهش‌های اعتقادی کلامی (علوم اسلامی)**. دوره ۶ بهار. شماره ۲۱.
۴. اشعری، سعد بن عبدالله. (۱۳۸۱). **تاریخ عقاید و مذاهب شیعه (ترجمه المقالات و الفرق)**. تصحیح محمد جواد مشکور. ترجمه یوسف فضایی. تهران: آشیانه کتاب.
۵. بغدادی، عبدالقاهر بن طاهر. (۱۴۰۸). **الفرق بین الفرق**. بیروت: دارالجیل.
۶. جمعی از نویسندگان. (۱۳۸۷). **مجموعه مقالات همایش تشیع و مستشرقان**. به کوشش محمدرضا بارانی (انجمن تاریخ پژوهان). قم: خاکریز.
۷. چلونگر، محمدعلی. (۱۳۸۷). **خاورشناسان و نگاه تاریخی‌گری و پدیدارشناسانه به مبانی اعتقادی تشیع** (مجموعه مقالات همایش تشیع و خاورشناسان - دیدگاه‌ها درباره خاورشناسان). قم: خاکریز.
۸. حسین اشرفی، احمد. (۱۳۸۶). «رابطه عقل عرفان و وحی از دیدگاه صدرالمتألهین». **نشریه معرفت**. ش ۶۲.
۹. خنیفر، حسن و مسلمی، ناهید. (۱۳۹۶). **اصول و مبانی روش‌های پژوهش کیفی (رویکردی نو و کاربردی)**. چاپ اول. تهران: نگاه دانش.
۱۰. رزاقی موسوی، سیدقاسم. (۱۳۹۳). «پیامدها و بازتاب‌های شیعه‌پژوهی در مطالعات شرق‌شناسی معاصر». **نشریه مطالعات تاریخی جهان اسلام**. بهار و تابستان - شماره ۳.
۱۱. رشید، خیون. (۱۳۹۲ق/۲۰۱۲م). **النصیریة العلویة بسوریه: السیاسة تصادر الطائفه**. دمشق: دارمدارک للنشر.
۱۲. رودگر، محمدجواد. (۱۳۸۱). «عرفان در مکاتب مختلف»، **نشریه مطالعات راهبردی زنان**. ش ۱۶.
۱۳. ریخته‌گران، محمدرضا. (۱۳۸۸). «پدیدارشناسی چیست؟». **نشریه تخصصی فلسفه**. پاییز و زمستان. ش ۳ و ۲.

۱۴. زمانی، محمدحسن. (۱۳۳۷). **آشنایی با استشرق و اسلام‌شناسی غربیان**. قم: جامعه المصطفی العالمیه.
۱۵. ساجدی، طهمورث. (۱۳۹۴). «بررسی و تحقیق درباره ادوار تکوینی خاورشناسی (از فیلولوژی کیش‌ها و خاورشناسان لائیک تا خاورشناسی علمی و زبان‌شناسی)». **مطالعات ایران‌شناسی**. پاییز، شماره ۱.
۱۶. ساشادینا، عبدالعزیز. (۱۳۹۳). **روش‌شناسی مطالعات اسلامی در غرب**. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۷. ساکالوفسکی، رابرت. (۱۳۸۴). **درآمدی بر پدیدارشناسی**. ترجمه محمدرضا قربانی. چاپ اول تهران: گام نو.
۱۸. سبحانی، توفیق و قاسم انصار. (۱۳۵۵ش). «حاجی بکتاش ولی و طریقت بکتاشیه». **نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز**. زمستان. ش ۱۲۰ سال ۲۸.
۱۹. سمعانی، ابوسعید عبدالکریم بن محمد بن منصور التمیمی. (۱۳۸۲/۱۹۶۲م). **الأنساب**. تحقیق عبدالرحمن بن یحیی المعلمی الیمانی. ط الأولى. حیدرآباد، مجلس دائرة المعارف العثمانیه.
۲۰. شرف‌الدین، تقی. (۱۹۸۳م / ۱۳۶۲ق). **النصیریه: درسه تحلیلیه**. بیروت: [بی‌نا].
۲۱. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم. (۱۳۹۵ق / ۱۹۷۵م). **الملل والنحل**. بیروت: دارالمعرفه.
۲۲. صادقی، مصطفی. تاریخ امامیه‌گذری بر ده قرن تاریخ سیاسی شیعیان دوازده امامی. ادیان، قم: ۱۳۹۲.
۲۳. صالحی امیری و سیدرضا واله حیدری‌زاده. (۱۳۹۰). **روش‌های تحقیق کیفی در پژوهش‌های اجتماعی** (ضرورت توجه به روش تحقیق کیفی در بررسی‌های فرهنگی اجتماعی). تهران: تحقیقات راهبردی.
۲۴. صانع‌پور، مریم. (۱۳۹۵). «جستاری در روش شیعه‌پژوهی غرب». **فصلنامه النهج**. تابستان. ش ۴۹.
۲۵. صفری، نعمت‌الله. (۱۳۹۱). **غالیان کاوشی در جریان‌ها و برایندها**. مشهد: آستان قدس رضوی.
۲۶. طوسی، محمد بن حسن بن علی. (۱۴۰۴ق). **اختیار معرفه الرجال (المعروف برجال الکشی)**. قم: مؤسسه ال‌بیت لاحیاء التراث.
۲۷. لاهیجی، شیخ محمد. (۱۳۷۱). **شرح گلشن راز**. با مقدمه کیوان سمیعی. تهران: انتشارات سعدی. چاپ پنجم.

۲۸. ناجی، عبدالجبار. (۱۳۹۰ش/۲۰۱۱م). **التشیع و الاستشراق: عرض نقدی مقارن لدراسات المستشرقین عن العقیده الشیعیه و ائمتها**. بیروت: المركز الاکادیمی للابحاث.
۲۹. ناشی اکبر، عبدالله بن محمد. (۱۳۸۶). **فرقه های اسلامی و مسئله امامت**. ترجمه «مسائل الامانه و مقتطفات من الكتاب الاوسط» توسط علیرضا ایمانی. قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
۳۰. ناصح، محمد مهدی. (۱۳۸۷). «مبانی معرفتی در فرهنگ و ادب عرفان فارسی». **مجله کلک خیال انگیز**. دانشگاه بیرجند سال اول شماره ۲.
۳۱. نویختی، حسن بن موسی. (۱۳۵۵ق/۱۹۳۶م). **فرق الشیعه**. تصحیح محمد صادق بحر العلوم؛ نجف: مکتبه المرتضویه.
۳۲. نوری، محمد. (۱۳۷۸). **کتابشناسی: خاورشناسان و فرقه شناسی** (کارنامه علمی و انتشاراتی در زمینه فرق اسلامی). مجله: هفت آسمان. بهار ش ۱.
۳۳. ویسی، زاهد. (۱۳۸۰). «نقد خاورشناسی از نگاه مسلمانان». **کتاب ماه دین**. شهریور و مهر. ش ۴۷ و ۴۸.
۳۴. ویلیام فردریک تاکر. (۱۳۹۷). **مدعیان مهدویت و هزاره گرایان** (نگاهی به جنبش های غالیان شیعی عراق در سده های نخستین). ترجمه حمید باقری. تهران: حکمت.
۳۵. هاشم عثمان. (۱۴۱۴ق/۱۹۹۴م). **العلویون بین الاسطوره والحقیقه**. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۳۶. هاشم عثمان. (۱۴۱۴ق/۱۹۹۴م). **هل العلویون شیعه**. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۳۷. هالم، هاینس. (۱۳۸۲ق/۲۰۰۳م). **الغنوصیه فی الاسلام**. تصحیح صالح سالمه. نشر الجمل.
۳۸. هالم، هاینس. (۱۳۹۳). **غنوصیان در اسلام شیعیان عالی و علویان**. ترجمه احسان موسوی خلخالی. تهران: حکمت.
۳۹. هروی، جواد. (۱۳۸۶). **روش تحقیق و پژوهش علمی در تاریخ راهنمای نگارش تحقیقات در علوم انسانی و تاریخ**. تهران: امیرکبیر.